

## واکاوی قدم صدق در قرآن کریم

مظفر پور شیخعلی اندوهجردی\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲

علی محامد\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۰

### چکیده

برخورداری از اراده‌ای پولادین در انجام کارها که از آن با عنوان «قدم صدق» و «ثبات قدم» یاد می‌شود، جهت‌دهنده مسیر زندگی بر مدار عزت، سربلندی و پایداری در برابر ناملایمات فردی و نابرابری‌های اجتماعی می‌باشد که در تمامی حوزه‌های فقهی، عقیدتی و اخلاقی جاری بوده و آرامش خاطر در کنار محبت الهی، برخورداری از فزونی رزق و برکت و کرامت و سلامتی را برای شخص به ارمغان می‌آورد؛ تا در مسیر الهی به سعادت، در ایمان به باور، در مخاصمات به حق، در تنگ‌دستی به شکر، در بیماری به سلامت، در تهذیب نفس به تزکیه و در طلب علم و دانش به تقوا نائل آید. نقش این فضیلت اخلاقی در تأثیر تعالیم و آموزه‌های دینی به حدی جدی است که تکامل مؤلفه‌های دینی از قبیل ایمان، تقوا و عبودیت در کنار رسیدن به موفقیت به آن نسبت داده شده و از آن به عنوان رکن اساسی در تحقق ایمان تعبیر شده است.

**کلیدواژگان:** ثبات قدم، قرآن، تربیت، معناشناسی، صبر.

---

\* کارشناسی ارشد رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه قم.

m.poorshaykhal@gmail.com

mmahamed@gmail.com

\*\* دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم.

نویسنده مسئول: مظفر پور شیخعلی اندوهجردی

## مقدمه

یکی از موضوعاتی که در تربیت بسیار ضروری می‌نماید، ثبات قدم و پایداری در مسیر تربیت است که آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام و به پیروی از آن‌ها، بزرگان و علما نیز بر این موضوع پافشاری دارند. این ویژگی منشأ بسیاری از صفات حمیده و ارزش‌های انسانی است. ممکن است به عللی برای انسان، جذبه‌ای حاصل شود و ناگهان مسیر نادرست خود را تغییر دهد یا فکری او را به حق راهنمایی کند و او تصمیم بگیرد راه درست را بپیماید؛ ولی در این تصمیم، ثابت نباشد و علل و عواملی او را در این تصمیم سست کند؛ بنابراین صرف ایمان ابتدایی برای سلوک، کافی نیست و سالک باید به مرحله ثبات در ایمان و عمل برسد؛ از این رو خداوند در قرآن کریم، یکی از اوصاف برجسته سالکان کوی حق را ثبات قدم می‌داند که یکی از پایه‌های تربیت اسلامی است.

سؤالات این تحقیق عبارت‌اند از:

- ارتباط میان ثبات قدم و ایمان و تربیت اسلامی چیست؟
- آیا ثبات قدم فقط به ایمان و عمل مربوط است یا در تربیت هم، کارآیی دارد؟
- آیا در آیات و روایات، اشاره‌ای به ثبات قدم و مترادفات آن شده است؟

## قدم صدق در لغت و اصطلاح

واژه (قدم) در فرهنگ معین چنین تعریف شده:

قدم یعنی؛ پی، اثر، گام، همراه صدق به معنای پی و اثر صدق و منزلتی ارجمند.

قدم داشتن: یعنی ثابت بودن، پایدار بودن.

قدمگاه: جای که پای پیامبری یا امامی و یا ولی‌ای در سنگ و جز آن پدیدار است

(معین، فرهنگ معین: ۲/ ۲۶۴۷-۲۶۴۶؛ عمید، فرهنگ فارسی عمید: ۲/ ۱۵۷۱).

در المنجد آمده:

القَدَم: به معنای تقدم است، سابقه در کار خیر یا شری داشتن مانند قدم صدق یا قدم

سوء که معنایش می‌شود سابقه خوب یا سابقه بد- پیشی گرفتن- جرأت کردن بر

کاری(معلوف، المنجد: ۱/ ۶۱۳).

صدق در قاموس المحيط چنین معنا شده:

(صَدَقَ فِي الْحَدِيثِ): در سخن راستگو است - (صِدْقٌ): به معنای راستین می‌باشد و بر خلاف دروغ است. (صَدِيقٌ): به معنای دوست می‌باشد و (الصَّدَاقَةُ): به معنای محبت و دوستی است (فیروزآبادی، قاموس المحيط: ۱۶۲؛ معلوف، المنجد: ۱ / ۴۲۰).

واژه (صدق) در المنجد چنین آمده است:

(صَادِقٌ): دوست او شد معنا می‌شود و به معنای مودت است و (صَدِيقُونَ) به معنای بسیار راستگو است و (صِدْقٌ) به معنای شدت هم می‌باشد و به معنای فضل و برتری است (همان).

### قدم صدق در قرآن

قدم صدق، یک اصطلاح قرآنی است که در آیه‌ای می‌فرماید:

﴿أَكُنْ لِلنَّاسِ عَجَبًا أُنْزِلَ إِلَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا السَّاحِرُ مُبِينٌ﴾ (یونس / ۲)

«آیا برای مردم، موجب شگفتی بود که به مردی از آن‌ها وحی فرستادیم که مردم را (از عواقب کفر و گناه) بترسان، و به کسانی که ایمان آورده‌اند بشارت ده که برای آن‌ها، سابقه نیک (و پاداش‌های مسلم) نزد پروردگارشان است؟! (اما) کافران گفتند: «این مرد، ساحر آشکاری است!»»

این اصطلاح را هر کدام از مفسران، به گونه‌ای معنا کرده‌اند: تفسیر «المیزان»، قدم صدق را به معنای مقام و منزلت شایسته می‌داند (طباطبایی، المیزان: ۱۱/۱۰). تفسیر «برهان»، بر اساس روایات شیعه و سنی، مفهوم آن را پیامبر (ص) و علی (ع) ذکر کرده است (بحرانی، برهان: ۱۷۷/۲) و تفسیر «نور الثقلین»، آن را مقام شفاعت، معرفی کرده است (عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین: ۲ / ۲۹۲).

### نظرات مفسران درباره قدم صدق

قدم صدق از نظر نگارنده «نور الثقلین»:

عروسی حویزی می‌گوید:

«درباره این آیه نظرات متفاوت است:

الف: در اصول کافی از حسین بن محمد از معلی بن محمد از محمد بن جمهور از یونس نقل می‌کند که گفت: کسی را که نزد امام صادق(ع) فرستادم به من گفت: امام صادق فرمود: منظور از این آیه ولایت امام علی(ع) است.

ب: در تفسیر علی بن ابراهیم می‌گوید: پدرم به من گفت و روایت کرد از حماد بن عیسی از ابراهیم بن یمانی از امام صادق که فرموده: ﴿قَدَّمَ صِدْقِي عِنْدَ رَبِّي﴾ منظور پیامبر اکرم(ص) است در روضه کافی از علی بن ابراهیم از پدرش از حماد بن عیسی از ابراهیم بن عمر یمانی آنچه نقل می‌کند از امام صادق(ع) همانند بالاست.

ج: در مجمع البیان آمده که معنای قدم صدق در این آیه شفاعت پیامبر اسلام(ص) است و این از امام صادق(ع) روایت شده است»(همان).

قدم صدق از دید نویسنده «تفسیر نمونه»:

«در اینکه منظور از قدم صدق چیست؟ در میان مفسران بحث است، اما روی هم رفته یکی از سه تفسیر (یا هر سه با هم) برای آن قابل قبول است.

نخست: اینکه اشاره به آن است که ایمان «سابقه فطری» دارد و در حقیقت مؤمنان با ابراز ایمان، مقتضای فطرت خود را تصدیق و تأکید کرده‌اند(زیرا یکی از معانی قدم، سابقه است) چنانکه می‌گویند لفلان قدم فی الاسلام- او قدم فی الحرب(یعنی: فلان کس در اسلام یا در جنگ و مبارزه، سابقه دارد).

دوم: اینکه اشاره به مسأله معاد و نعمت‌های آخرت باشد، زیرا یکی از معانی قدم، مقام و منزلت است(به تناسب اینکه انسان با پای خود به منزلگاهش وارد می‌شود) یعنی برای افراد باایمان مقام و منزلت ثابت و مسلّمی در پیشگاه خدا است که هیچ چیز نمی‌تواند آن را تغییر دهد و دگرگون سازد.

سوم: اینکه قدم به معنی پیشوا و رهبر است، یعنی برای مؤمنان پیشوا و رهبری صادق فرستاده شده است. روایات متعددی که در تفاسیر شیعه و اهل تسنن در ذیل این آیه وارد شده و قدم صدق را به شخص پیامبر(ص) یا ولایت علی(ص) تفسیر کرده است، مؤید همین معناست(مکارم شیرازی، تفسیر نمونه: ۸/ ۲۱۶).

قدم صدق از دید نگارشگر تفسیر «المیزان»:

«این آیه آنگاه بشارتی را که به پیغمبر دستور داد، به مؤمنین بدهد با این عبارت تفسیر می‌کند: ﴿ان لهم قدم صدق عند ربهم...﴾»

مراد از قدم «صدق» منزلت راستین است و آیه ﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ (القمر/۵۵) نیز به همین معنی اشاره دارد و شرح آن این است که:

چون به دنباله ایمان درجه و منزلتی وجود دارد که پیش خداست و بنابراین صدق در ایمان مستلزم صدق منزلتی است که به دنباله آن می‌آید. پس مؤمنین دارای منزلت راستین‌اند زیرا دارای ایمان راستین بوده‌اند. و بنابراین مراد از قدم، همان مقام و منزلت است و اطلاق قدم بر مقام و منزلت از باب کنایه است از آن رو که اشغال مکان عادت به وسیله قدم انجام می‌گیرد، قدم در مورد مادیات به جای جا و مکان و در مورد معنویات به جای مقام و منزلت استعمال می‌شود.

در آیه، «قدم» به «صدق» اضافه شده و صدق یعنی شأن و موقعیت راستین صاحب قدم. در حقیقت «صدق قدم» یعنی قدمی که منسوب است به صدق صاحب قدم یا به این معنی که چون صاحب قدم شخص راست و صادقی است، قدم نیز راست و صادق است» (طباطبایی، تفسیر المیزان: ۱۰ / ۱۰).

## ثبات قدم همان قدم صدق است

### ثبات

بررسی لغوی واژه «ثبات» از نظر واژه پژوهان، ثبات بر وزن «تَبَّتْ، يَتَّبْتُ» و مصدر آن «ثَبَاتاً یا ثَبَوْتاً» است که ضد نابودی و زوال می‌باشد (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن: ۵ / ۲)، و به معنای دوام شیء (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة: ۱ / ۳۹۹)، استقرار و استدامت (فیومی، مصباح المنیر: ۸۰ / ۱؛ طریحی، مجمع البحرین: ۱ / ۲۳۸)، بر جای ماندن، بقا، پابرجائی، پافشاری است (دهخدا، لغتنامه: ۱۶ / ۲۲) گفته می‌شود: رجل تَبَّتَ و تثبیت فی الحرب: یعنی در جنگ پایدار و مقاوم و به معنی توان و نیرو نیز به کار می‌رود مانند: «تَبَّتَتْهُ» یعنی نیرومندش کردم (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن: ۷۴-۷۵).

زیبیدی در «تاج العروس» از کاربرد مجازی ثبات سخن گفته است مثلاً در قول خداوند متعال:

﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُبْتُوكَ أَوْ يَكْتُلُوكَ﴾ (انفال / ۳۰)

که به معنای مجروح کردن یا زندانی کردن می‌باشد و این استعمال مجازی است (زبیدی، تاج العروس: ۳ / ۲۹) و در معنایی جامع می‌توان گفت ثبات ضد زوال و به معنای استقرار و استدامت است که این معنا یا در قول یا در حکم و یا در فعل است (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن: ۵/۲).

کلمه ثبات گاهی با کلمه قدم همراه می‌گردد و در معنای استقامت و صبر به کار می‌رود (قرشی، قاموس قرآن: ۵ / ۲۵۸) مانند آیه شریفه: ﴿... فَتَنَزَّلُ قَدَمًا بَعْدَ ثُبُوتِهَا...﴾ (نحل/۹۴)؛ «تا [مبادا] قدمی پس از ثبوتش بلرزد یعنی استقامت به تزلزل مبدل شود» و یا در آیه:

﴿وَوَيْتُ أَقْدَامَنَا﴾ (آل عمران / ۱۴۷)

«ما را ثابت قدم بدار یعنی بر ما استقامت عطا کن»

برخی از مفسران می‌نویسند:

«اثبات ویژه امور مادی و استقامت مربوط به امور معنوی است» (قرطبی، الجامع لأحكام القرآن: ۴ / ۲۴).

عده‌ای دیگر، صبر و ثبات در آیات را مرادف استقامت دانسته‌اند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه: ۳ / ۲۶۵ و ۱۴۴).

### نگاهی به برخی از مترادفات قدم صدق

#### صبر

«صبر در لغت به معنای حبس نفس از اضطراب و جزع و سکون و آرامش یافتن و در اصطلاح، عبارت است: از ثبات نفس و اطمینان آن و مضطرب نگشتن آن در بلا یا و مصائب و مقاومت کردن در برابر حوادث به گونه‌ای که سینه او تنگ نشود و خاطر او پریشان نگردد و گشادگی و طمأنینه که پیش از حدوث آن واقع است زوال نپذیرد» (نراقی، معراج السعادة: ۸۱۴).

یکی از اصول تربیت اصل صبر است. فرد مربی و یا پدر و مادر و... باید در تربیت، صبر و حوصله داشته باشند و الا به هدف تربیت نمی‌رسند. با بی‌صبری و حتی

کم‌صبری نمی‌توان کار تربیتی انجام داد. امر تربیت همانند کار باغبان و زارع است؛ یعنی همانگونه که باغبان باید در پرورش گل و نهال صبور باشد، مربی هم باید صبر و حوصله داشته باشد، چون تربیت در ظرف زمان مشخصی به نتیجه می‌رسد. اگر فرد عجله کند، نه تنها به نتیجه نمی‌رسد بلکه محصول باغ او که فرزندانش هستند، از بین خواهند رفت.

### استقامت

این واژه مفهومی گسترده دارد که *دهخدا* آن را چنین معنا کرده است، پایداری، ایستادگی، ایستادن، راستی، راست شدن (*دهخدا، لغتنامه: ۲۱۸۱/۶*).

و در معنای جامع می‌توان گفت نظر به اینکه ریشه «قوم» در برابر قعود و معنای اصلی آن به پا داشتن و فعلیت عمل است، استقامت با توجه به معنای طلبی باب استفعال به معنای طلب قیام است و استمرار و مانند آن از لوازم معنای اصلی به شمار می‌آیند (*مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن: ۳۴۳-۳۴۲*).

استقامت در مفهوم قرآنی، به معنای پایداری در دین و مسیر حق، در مقابل انحرافات و کژی‌ها است (*ابن عاشور تونسسی، تفسیر التحریر و التنویر: ۳۳۹ / ۱۱ و ۲۸۲*).

انسان در آغاز آفرینش، ماهیتی حیوانی دارد. نیازها، گرایش‌ها و امیال حیوانی، بالفعل، در وجود او حضور دارند؛ میل به خوردن، خوابیدن، نوشیدن و حتی امیال جنسی؛ آن نیازها و این امیال، پدید آورنده صفات و خصلت‌هایی هستند که از آن‌ها به خصلت‌هایی حیوانی نام برده می‌شود. *ظلوم (ستمکار)*، *حریص*، *هلوع (نگران)*، *بخیل*، *جهول (نادان)*، و... صفاتی هستند که قرآن کریم برای توصیف ماهیت حیوانی انسان به کار برده است. برای داشتن این نیازها، امیال و خصلت‌ها، نیازمند تعلیم و تربیت هستیم و هر فردی، به طبیعت نخستین خویش، آن‌ها را با خود همراه دارد. اما نیازها، امیال و خصلت‌های انسانی، هرچند زمینه‌ها و استعدادهای آن‌ها در فطرت آدمی موجود است، ولی نیازمند تعلیم و تربیت و ریاضت‌اند تا جوانه زده و بشکفند و از وجود انسان سر برآورند. فلسفه ارسال پیامبران و همراه کردن کتاب‌های آسمانی با آنان، تربیت نفوس انسانی و شکوفا کردن استعدادهای شگرفی است که در حقیقت وجود انسان نهفته است. *امام علی علیه السلام* در تبیین این موضوع می‌فرماید: خداوند پیامبران را به سوی

انسان‌ها گسیل داشت و انبیا را یکی پس از دیگری به سوی آنان راهی کرد تا پیمانی که در فطرتشان با آنان بسته بود، از آنان طلب کنند و نعمت‌های فراموش شده‌اش را به یادشان آورند و با تبلیغ دین، حجت را بر آنان تمام کرده و گنج‌های نهفته در عقل‌هایشان را برانگیزند. یکی از این نعمت‌ها استقامت است در برابر گناه، مشکلات و... پس انسان نباید در مواجهه با موانع و گناهان و مشکلات و... اعتماد به نفسش را از دست دهد و از کوره در رود و صحنه را خالی بگذارد چراکه رمز موفقیت و عدم خم شدن در برابر آن‌ها، استقامت است که شاخه‌ای از ایمان و تربیت اسلامی، به شمار می‌آید.

### ابعاد قدم صدق

#### قدم صدق در ایمان

قرآن استقامت در راه ایمان را در سوره عصر آیات ۲ و ۳ اینگونه بیان می‌کند:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۖ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾

«همانا انسان در خسارت است. مگر آنان که ایمان آورده و کارهای نیک

انجام داده و یکدیگر را به حق و استقامت سفارش می‌کنند»

پس در «تفسیر نور» در این باره آمده: «تنها راه جلوگیری از خسارت، ایمان و عمل صالح است و سفارش به صبر به همان اندازه لازم است که سفارش به حق لازم است و ایمان بر عمل مقدم است» (قرائتی، تفسیر نور: ۵۸۷/۱۲).

اگر استقامت و پایداری بر ایمان داشته باشید و همواره بر آن ثابت قدم بمانید تمایلی به کفر پیدا نمی‌کنید. حرکت کردن در مسیر حق و به طور مستمر و مداوم و بدون کم‌ترین لغزش و انحرافی مستلزم عنصر ایمان و استقامت و پایداری است که انسان را در مسیر حق سوق دهد و از خطا و خسران حفظ نماید و این نکته تربیتی به شمار می‌آید.

#### قدم صدق در گفتار

یکی از محورهای پایداری انسان مؤمن، بکار بردن ایمان در گفتار و کردار است که از ارکان تربیتی به حساب می‌آید یعنی افزون بر عقیده باید ایمان و ایستادگی را در زندگی خود عینیت ببخشد.



تجسم و عینیت پایمردی، وقتی آشکار می‌شود که در سخن انسان تزلزل نباشد به همین دلیل قرآن مؤمنان را به پایداری در گفتار دعوت می‌کند و می‌فرماید:

﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ (ابراهیم/ ۲۷)

«خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و آخرت با سخن استوار ثابت می‌گرداند و ستمگران را بی‌راه می‌گذارد، و خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد»

### قدم صدق عامل مهم پیروزی

آموزه‌های دینی و تربیتی اسلام، مهم‌ترین عامل پیروزی در عرصه‌های گوناگون زندگی را به خصوص در میدان نبرد، صبر و استقامت معرفی می‌کنند. ایستادگی در پیکار با دشمنان و جهاد در راه خدا و استقامت در برابر سختی‌ها و فشارها از ویژگی‌های ثابت قدمان است.

قرآن، استقامت در جنگ را از نیکی‌ها دانسته و افراد ثابت قدم را در زمره نیکوکاران بر شمرده است مانند آیه ۱۷۷ سوره بقره که می‌فرماید:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾

«نیکوکاری بدان نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید چه این چیز بی اثری است ولی نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان آسمان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز به پا دارد و زکات مال به مستحق برساند و با هر کس که عهد بسته به موقع خود وفا کند و در

سختی‌ها صبور باشد و هنگام سختی‌ها، صبر پیشه کند کسانی که به این اوصاف آراسته‌اند آن‌ها به حقیقت، راستگویان عالم و آن‌ها پرهیزکاران‌اند» و از آنان به عنوان محبتین خدا در آیه ۴ سوره صف یاد کرده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بَيْنًا مَّرْصُومًا﴾

«خدا آن مؤمنان را که در صف جهاد کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد»

و همچنین در توصیف آنان در سوره آل عمران آیات ۱۷۴ و ۱۷۳ می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاصْبِرُوا لِحُكْمِهِمْ فَذَاهَبَ الْيَمَانُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِذْ جَاءَهُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٌ لِّمَن يَمَسُّهُمُ سَوْءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾

«همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند؛ پس، از آنان بترسید [ولی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است. پس با نعمت و بخشش از جانب خدا، [از میدان نبرد] باز گشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند و خداوند دارای بخشش عظیم است»

زمان رویارویی با دشمن لحظه‌ای که رگبار خصم از هر طرف ما را احاطه کرده است انسان سر دوراهی قرار می‌گیرد که پا به فرار بگذارد و یا وصال معبود را انتخاب کند چنین موقعیتی بسیار حساس است. اینجاست که مؤمنین واقعی از منافقانی که ظاهراً سخن از ایمان به خدا می‌گویند ولی در باطن ذره‌ای ایمان به خدا در وجودشان نیست، شناخته می‌شوند. افراد مؤمن و دیندار در آن هنگام به یاد خدا می‌افتند و با یاد او قوت می‌گیرند و از پروردگارشان نصرت و ثبات قدم می‌طلبند و سرانجام با استقامت و پایداری بر دشمنان پیروز می‌گردند. خداوند متعال در سوره انفال آیه ۴۵ در این باره می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون با گروهی برخورد می‌کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید»

پس مسأله تربیتی این است که اولین فرمان، ثبات و پایداری است که قرآن دستور می‌دهد در وقت روبه‌رو شدن با دشمن فرار نکنید و ایستادگی کنید.

### پاداش ثابت قدمان و استقامت کنندگان

از آیات قرآن، چنین استفاده می‌شود که قدم صدق و پایداری آثار و برکات مادی و معنوی بسیاری را برای انسان به ارمغان می‌آورد که بخشی از آنان نصیب اهل استقامت در دنیا می‌گردد و برخی دیگر پاداش استقامت کنندگان باایمان در آخرت است و پاره‌ای نیز بهره ثابت قدمان در دنیا و آخرت است.

### پاداش دنیوی ثابت قدمان

قرآن درباره پاداش دنیوی ثابت قدمان می‌فرماید:

﴿وَالْوَاسِقَاتُ عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُنَّ مَاءً غَدَقًا﴾ (جن / ۱۶)

«و اگر مردم در راه راست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی به ایشان

نوشانیم»

### پاداش اخروی ثابت قدمان

اما در آخرت بهشتی که خداوند وعده داده است عاقبت نیکوی بندگانی است که بر ربوبیت خدا استقامت ورزیدند و ولایت الهی است که به دست می‌آورند:

خداوند متعال در آیات ۳۱ و ۳۰ سوره فصلت می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ۚ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ﴾

«در حقیقت کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست، پس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و به آن‌ها می‌گویند] به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید. در زندگی دنیا و آخرت ما، دوستانتان هستیم و هرچه دل‌های‌تان بخواهد در [بهشت] برای شماست و هرچه خواستار باشید در آنجا خواهید داشت»

علامه طباطبایی در «المیزان» می‌نویسد: «از آنجا که ملائکه واسطه و رحمت خداوند هستند و از خود ولایتی ندارند این عبارت به ولایت الهی تفسیر می‌شود» (طباطبایی، المیزان: ۱۱۷/۲۶۵-۲۶۴).

از این رو آنان به علت بهره‌ای که از ولایت الهی و نزول فرشتگان بشارت دهنده دارند از ترس و اندوه رها و آزادند.

### پایه‌های تربیتی تقویت کننده قدم صدق

ثبات قدم حالتی است که تا با ایمان همراه نگردد اطمینان نفس و در نتیجه طلب کمال میسر نمی‌شود، زیرا هر کس که در عقاید خود متزلزل باشد نمی‌تواند طالب کمال باشد، و ثبات قدم عبارت است از حصول قطع به اینکه کامل و کمالی وجود دارد، و تا این قطع حاصل نشود طلب کمال و تربیت اعلا وجود نمی‌گیرد، و تا تصمیم بر طلب کمال و ثبات در راه آن به دست نیاید سیر و سلوک ممکن نیست. ما در عنوان ذیل به بررسی پایه‌های تربیتی تقویت کننده قدم صدق می‌پردازیم که عبارت‌اند از:

### تبعیت از فرامین الهی

#### تقواپیشگی

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾

(احزاب/۳۶)

«هیچ مردی و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد، و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است»

نکته تربیتی این آیه، چنین می‌باشد که انسان مؤمن باید تسلیم بی‌قید و شرط در برابر فرمان خدا باشد و اراده‌اش را تابع اراده حق نماید و هنگامی که خدا و پیامبرش کاری را لازم دانستند، مخالفت نکند زیرا آنان جز خیر و سعادت را برای بشر نمی‌خواهند. بدین جهت مؤمنان از تعدی به حدود و نزدیک شدن به محرّمات الهی خودداری کرده، در برابر آن‌ها تقوا پیشه می‌کنند، که نتیجه نهایی آن، بهشت و

رستگاری است و در مقابل نتیجه تجاوز به حدود و مرزهای الهی ورود در آتش جهنم است (نساء/۱۳).

## اطاعت از خدا و رسول

قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (حجرات/۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و پیامبرش در هیچ کاری

پیشی مجوئید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست»

در شأن نزول این آیه گفته شده که پیامبر(ص) هنگام حرکت به سوی خیبر می‌خواست کسی را در مدینه جانشین خود کند، عمر بن خطاب فردی را پیشنهاد کرد، اما به نظر پیامبر(ص) کسی دیگر مناسب بود لذا آیه فوق نازل شد و این عمل را پیشی گرفتن به خدا و رسول معرفی کرد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه: ۲۲ / ۱۳۳).

برخی دیگر گفته‌اند:

«هنگامی که نمایندگان قبیله «بنی تمیم» برای عهد و قرارداد خدمت پیامبر(ص) آمدند ابوبکر بر پیامبر(ص) پیشدستی کرد و پیشنهاد نمود، قعقاع که از اشراف قبیله است، امیر قبیله خود گردد و عمر پیشنهاد کرد که اقرع بن حابس برای این منصب مناسب‌تر است نظر به اینکه اینان پیش از اظهار پیامبر(ص) نظر دادند، آیه نازل شد و پیشدستی آنان بر پیامبر(ص) را نکوهش کرد» (طبرسی، مجمع البیان: ۲۱۶/۹).

در این آیه، قرآن، به نکته تربیتی اشاره می‌کند و مؤمنین را به اطاعت از خدا و رسول دعوت می‌کند. آنان نیز بدون چون و چرا حکم خدا و پیامبر(ص) را می‌پذیرند زیرا به یقین می‌دانند که این حکم از جانب خدا یا از ناحیه پیامبر اوست. از این رو به خود حق نمی‌دهند که عملی بر خلاف دستورات خدا یا پیامبر(ص) انجام دهند. امام فخر رازی در نکته تربیتی در ذیل این آیه می‌نویسد:

«متعلق «لا تقدموا» ذکر نشده، لذا افاده عموم می‌کند؛ زیرا معین نفرموده در چه امری پیش نیفتند، پس معلوم می‌شود در تمام امور باید تابع قرآن و سنت بود و بندگی خدا و تجلیل و تکریم پیامبر(ص) در حیات و ممات چه اندازه بر امت واجب شده است و

این همان معنای عبودیت خالص برای خدا و اطاعت محض از رسول اوست» (فخر رازی، مفاتیح الغیب: ۹۶ / ۲۸).

از منظر تربیت اسلامی می‌توان گفت هر گفتار و کرداری که مخالف فرمان خدا و پیامبر (ص) باشد و انسان به گفتن و انجام آن اقدام کند، نوعی پیشی افتادن از خدا و رسول اوست که از نظر قرآن ممنوع می‌باشد و انسان را از مقام اطاعت و بندگی خارج می‌کند، فلذا مؤمنان در هر کاری باید به حکم خدا و سنت رسول عمل نمایند و بر آنان پیشی نگیرند.

جهت تأیید این مطلب خداوند می‌فرماید:

﴿...بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ۖ لَا يَسْئُرُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ (انبیاء/۲۷ و ۲۶)

«بلکه [فرشتگان] بندگانی ارجمندند. که در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و خود به دستور او کار می‌کنند»

## وفای به عهد و پیمان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...﴾ (مائده / ۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای خود وفا کنید»

«عقود» جمع عقد در اصل به معنای «جمع کردن اطراف یک چیز محکم» است و به همین مناسبت گره زدن دو سر طناب یا دو طناب را با هم «عقد» می‌گویند، سپس از این معنی حسی به معنای معنوی انتقال یافته و هرگونه عهد و پیمان «عقد» گفته می‌شود (راغب اصفهانی، مفردات: ۳۵۳).

اطلاقی که در آیه وجود دارد بیانگر لزوم پای‌بندی به هر نوع عهد و پیمانی است که یکی از پایه‌های تربیتی محسوب می‌شود. افراد دیندار پس از بستن هرگونه عقد و عهدی، حرمت عهد و پیمان خود را نگه می‌دارند و عهدشکنی نمی‌کنند؛ زیرا با نقض عهد و پیمان، عدالت اجتماعی از بین می‌رود و در جامعه هرج و مرج به وجود می‌آید. قرآن نیز ضمن تأکید بر حفظ عهد و پیمان می‌فرماید:

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء/۳۴)

«و به پیمان [خود] وفا کنید، زیرا که از پیمان پرسش می‌شود»

چنانکه ملاحظه می‌گردد، خداوند در این آیه انسان را مسئول تعهدات و پیمان‌های خود می‌داند.

«این آیه، هم شامل عهدهای فردی می‌شود که فردی با فرد می‌بندد و هم عهدهای اجتماعی که قومی با قوم دیگر می‌بندند، و وفای به عهد اجتماعی از نظر دین مهم‌تر از وفای به عهد فردی است؛ زیرا تحقق عدالت با عهد اجتماعی کامل‌تر، و بلایایی که از نقض عهد اجتماعی پدید می‌آید، عمومی‌تر است» (طباطبایی، المیزان: ۵/ ۲۴۷).

از این رو مؤمنان ضمن ملزم نمودن خود به رعایت پیمان‌ها و قراردادهای در این مورد احساس مسئولیت نموده، به این وسیله خود را در شمار وارثان بهشت قرار می‌دهند (مؤمنون/ ۱۰). در پای‌بندی به مقررات دین مخصوصاً جائی که با منافع شخصی انسان در تضاد است، ایمان و تقوای الهی بیش‌ترین اثر را دارد. به همین علت است که قرآن در معرفی افراد با ایمان پای‌بندی‌شان به عهد و پیمان را ذکر می‌کند (همان: ۸) چراکه شکستن پیمان با روح منافات دارد و نیز در توصیف نمازگزاران واقعی آنها را به عنوان کسانی که حرمت پیمان‌ها را رعایت می‌کنند معرفی می‌کند (معارج/ ۳۲) و عهدشکنان را در ردیف مفسدان در زمین قرار می‌دهد (بقره/ ۶۷) و از آنان به عنوان خاسرین یاد می‌کند. در روایات نیز وارد شده که سلامت دین انسان در گرو وفای به عهد اوست. پیامبر در این باره فرموده: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ»؛ «کسی که به عهد خود وفادار نیست دین ندارد» (مجلسی، بحار الأنوار: ۱۹۸/۷۲). نکته تربیتی این حدیث، به خوبی روشن می‌شود که دینداری لازمه پای‌بندی به تعهدات و حفظ و ادای امانات است و افرادی که دین ندارند و یا ضعیف‌الایمان هستند، به عهد و پیمان‌های خویش پای‌بند و وفادار نیستند و می‌توان از امام حسین (ع) به عنوان الگوی پای‌بند به مقررات دینی نام برد که به نوعی، الگوی تربیتی به شمار می‌آیند.

### عدم نقض میثاق الهی

«میثاق» در اصل به معنای طناب و ریسمانی است که اسیران جنگی یا حیوانات را با آن می‌بندند (ابن منظور، لسان العرب: ۱۵/ ۲۱۲).

راغب می‌نویسد: «میثاق عهد و پیمانی است که با سوگند همراه است» (راغب اصفهانی، مفردات: ۵۴۸).

افراد دیندار به علت ایمانی که دارند، به عهدی که با خدا بسته‌اند پای‌بندند، از خدا و رسول او اطاعت کرده و در راه وفای به عهد، ایستادگی و مقاومت می‌کنند و حاضرند در این راه جان خویش را فدا کنند.

قرآن در وصف این مؤمنین می‌فرماید:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ  
وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (احزاب/۲۳)

«و از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بسته صادقانه وفا کردند، برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آن‌ها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکرده‌اند»

آنان عهد و پیمان خود را با خداوند مستحکم نموده، خویشتن را ملزم به اوامر و شرایط میثاق الهی می‌کنند و چونان کوه ثابت و استوار می‌ایستند و عهدشکنی نمی‌کنند.

خداوند متعال نیز این مؤمنان را که در عهد خود با خدا راست و صادق هستند و ایستادگی و مقاومت می‌کنند پاداش می‌دهد.

﴿يَجْزِي اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ﴾ (احزاب/۲۴)

«تا خدا راستگویان را به [پاداش] راستی‌شان پاداش دهد»

و در مقابل منافقان را که دروغ گفته‌اند و پیمان شکنی کرده‌اند عذاب می‌دهد:

﴿وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ...﴾ (احزاب)

«و منافقان را اگر بخواهد، عذاب کند...»

قرآن در بیانی دیگر می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَقْضُونَ الْمِيثَاقَ﴾ (رعد/۲۰)

«هم آنان که به پیمان خدا وفا دارند و عهد [او] را نمی‌شکنند»

«عهد الهی مفهوم وسیعی دارد: هم شامل عهدهای فطری و پیمان‌هایی که خدا به مقتضای فطرت از انسان گرفته می‌شود، همانند فطرت توحید و عشق به حق و عدالت و



هم پیمان‌های عقلی، یعنی آنچه را که انسان با نیروی تفکر و اندیشه و عقل از حقایق عالم هستی و مبدأ و معاد درک می‌کند، هم پیمان‌های شرعی یعنی آنچه را که پیامبر(ص) از مؤمنان در رابطه با اطاعت فرمان‌های خداوند و ترک معصیت و گناه پیمان گرفته همه را شامل می‌گردد. طبیعی است وفا به پیمان‌هایی که انسان با دیگر انسان‌ها می‌بندد، نیز در این مجموعه وارد است، چراکه خدا فرمان داده که این پیمان‌ها نیز محترم شمرده شود، بلکه هم در پیمان‌های تشریحی داخل است و هم در پیمان‌های عقلی «مکارم شیرازی، تفسیر نمونه: ۱۰ / ۱۸۴».

### صبر و استقامت

یکی از نشانه‌های قدم صدق در دین اسلام و تربیت اسلامی، پایداری و ایستادگی در برابر مشکلات و ناملایمات و گناه و انجام تکالیف الهی است. اگر فردی در گام‌های دین‌گرایانه‌اش متزلزل باشد و در برابر هر دشواری و فشار بیرونی دین خود را کنار بگذارد دلیل بر این است که دین در نهاد او به خوبی جایگزین نشده و استقرار نیافته است.

استقامت به فرد دیندار پایداری و قدم صدق می‌بخشد و او را به سوی پروردگارش هدایت می‌کند و راه مستقیم را به او نشان می‌دهد و به مانند چراغ هدایتی است که انسان را به راه راست رهنمون می‌شود؛ همان صراط مستقیمی که مؤمنان در هر رکعت از نمازشان از خداوند مسألت می‌جویند و می‌گویند:

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (فاتحه / ۶)

«ما را به راه راست هدایت فرما»

قرآن در وصف این ثابت قدمان با رویکردی تربیتی می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت / ۳۰)

«در حقیقت کسانی که گفتند: پرورگار ما خداست؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند: "هان" بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید»

قرآن در این آیه، راه خدا را بیان می‌کند و قدم صدق داشتن در طی طریق را تحسین می‌کند. این ثابت قدمان، علاوه بر اینکه به یگانگی خدا، ربوبیت و الوهیتش ایمان دارند، بر این اعتقاد خود نیز استوار و ثابت قدم‌اند و در راه آن استقامت و ایستادگی می‌کنند و عملی بر خلاف عقاید خود انجام نمی‌دهند. در حقیقت ایمان در قلب آن‌ها نفوذ کرده و هیچ‌گونه تزلزل و شائبه‌ای در آن راه ندارد. استقامت مؤمن حاکی از ثبات نفس و نتیجه قوت نفس اوست و در حقیقت ایمان و اعتقادشان به مبدأ و معاد به آنان صبر و استقامت می‌بخشد؛ زیرا می‌دانند که «صبر کلید ابواب سعادت و سر منشأ نجات از مهالک است» (خمینی، چهل حدیث: ۲۶۲).

### ارزش و اهمیت صبر

در اهمیت و جایگاه صبر در تربیت اسلامی همین بس که حضرت علی(ع) فرمود: «سَنَامُ الدِّينِ الصَّبْرُ وَالْيَقِينُ» (آمدی، غرر الحکم و درر الکلم: ۴ / ۱۴۸): «لوح دین صبر است و یقین».

«لَا دِينَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ» (مجلسی، بحار الأنوار، ۶۸ / ۹۲): «کسی که صبر ندارد، دین ندارد».

در روایات وارده شده: «الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ» (کلینی، کافی: ۲ / ۸۷): «صبر به منزل: سر ایمان است».

خداوند نیز صابران را در شمار دوستان و محبوبان خود یاد می‌کند (آل عمران/۱۴۶) و بارها رسولان خود و همه انسان‌ها را به صبر و شکیبایی سفارش می‌نماید (احقاف/۳۵). از حضرت علی(ع) از ایمان سؤال شد حضرت در جواب فرمودند: «الایمانُ علی أربعَ دَعَائِمَ عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱ / ۶۲۹): «ایمان بر چهار پایه استوار است، صبر و استقامت، یقین و اعتقاد، عدل و برقراری عدالت، جهاد و مبارزه الهی». و این به دلیل ارزش و اهمیت صبر است که امام علی(ع) آن را نخستین پایه از پایه‌های ایمان و تربیت اسلامی معرفی کرده است. از این رو مؤمنان زمانی که با بلایا و مصائب روبه‌رو می‌شوند جزع و فزع نمی‌کنند، و راضی به رضای الهی‌اند و چون قلبشان به نور رضای پروردگارشان روشن است خداوند سبحان درباره آن‌ها می‌فرماید:

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

(تغابن / ۱۱)

«هیچ مصیبتی جز به اذن خدا نرسد، و کسی که به خدا بگردد، دلش را به راه آورد، و خدا [است که] به هر چیزی داناست»

قرآن به مؤمنین بشارت می‌دهد که در صورت بروز مشکلات و مصائب از صبر و نماز استمداد جویند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره / ۱۵۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری جویند، زیرا خداوند با شکیبایان است»

استعانت یعنی یاری خواستن در امور مهمه و مشکلات و چون معین و ناصر حقیقی جز خدای متعال نیست، استعانت از حضرتش در مهمات و شدائد، همان ثبات و استقامت بخشیدن و اتصال در ارتباط به حضرت اوست و همین است صبر و نماز که محکم‌ترین سبب ظفر بر مشکلات است، صبر است که مشکلات عظیم را می‌کوبد و صغیر و هموارش می‌کند و از مانع، معین می‌سازد (محمدی گیلانی، شرح زیارت امین الله: ۱۷۴ و ۱۷۳).

### پای‌بندی به مقررات دین

پای‌بندی به مقررات دین، یکی از پایه‌های تقویت‌کننده قدم صدق در دین و تربیت دینی است، فردی که در دینداری نیرومند است، در همه احوال خود را مقید و پای‌بند به مقررات و احکام دین و به خصوص تربیت می‌داند. بنابراین آنچه را که خداوند برایش واجب کرده، انجام می‌دهد و آنچه را که حرام و زشت شمرده، ترک می‌نماید و از آن دوری می‌جوید.

قرآن جهت پای‌بندی به مقررات دینی و تربیتی تعابیری دارد، از جمله:

عدم تعدی از حدود الهی: مراد از حدود، اوامر و نواهی الهی است که نباید از آن تجاوز نمود (طباطبائی، المیزان: ۱ / ۶۴ و ۳۳۱). قرشی در «قاموس قرآن» می‌نویسد: «مراد از حدود الهی احکام خداست، اعم از محرّمات و واجبات که باید به محرّمات

نزدیک نشد و از واجبات تجاوز نکرد» (قرشی، قاموس قرآن: ۱۱۲ / ۲). قرآن در آیات متعدّد پس از بیان احکام ارث، احکام زناشویی در ماه رمضان و احکام طلاق آن‌ها را حدود الله نامیده، که نباید از آن‌ها تجاوز نمود (ر.ک؛ بقره/۱۷۸ و ۲۳۰؛ نساء/۱۳). دینداران واقعی با استناد به آیاتی چون:

﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ سِيئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾  
(بقره/۲۲۹)

﴿أَحِلُّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَّاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَّاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (بقره/۱۸۷)

به حدود و مقرراتی که از جانب خداوند متعال تعیین شده، سخت پای بند بوده و برای خود در برابر فرمان خدا حقی قائل نیستند.

### قاطعیت در اجرای احکام و حدود شرع

قاطعیت در اجرای احکام و حدود شرع، یکی از پایه‌های تقویت کننده قدم صدق در دین است، فردی که در دینداری نیرومند است اگر در منصب حاکمان و کارگزاران دولت اسلامی قرار گیرد، باید بدون در نظر گرفتن منافع خود و تنها با انگیزه الهی و با قاطعیت تمام احکام الهی را اجرا نماید و با تساهل و سهل انگاری مانع از اجرای تعطیلی احکام خداوند نشوند. به ویژه اگر دین، امور مربوط به اقامه حق و دفاع از مظلوم و سر جای نشانیدن ستمکاران باشد.

از این رو دینداران واقعی، اقامه کنندگان حق و عدالت و مجریان قوانین الهی هستند که نمونه شاخص آن پیامبر(ص) و ائمه معصومین(علیهم السلام) می‌باشند که با مطالعه زندگی آن‌ها درمی‌یابیم که اگرچه آن‌ها در مسائل شخصی چشم پوشی می‌کردند، اما در

برابر دین و قانون شکنان هرگز مسامحه نمی کردند، آنجا که می دیدند کیان اسلام و مسلمین در خطر است یا حدی از حدود الهی نادیده گرفته شده بسیار خشمگین می شدند.

قرآن به توصیف این مؤمنان می پردازد و می فرماید:

﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ  
وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه/ ۱۱۲)

«[آن مؤمنان] همان توبه کنندگان، پرستندگان، سپاسگزاران، روزه داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند. و مؤمنان را بشارت ده»

### نتیجه بحث

طی مباحث گذشته که قدم صدق و ثبات قدم از دید قرآن و روایات را مورد بررسی قرار دادیم به این نتیجه رسیدیم که ثبات قدم و صبر و استقامت، از پایه های تربیتی دین مقدس اسلام است که به روح و قلب انسان توانایی ادامه حیات می بخشد. افراد ثابت قدم پیوسته آوای دلنشین «رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت/ ۳۰) را آویزه گوش خود قرار دادند و آن را در دیگر ابعاد زندگی شان به کار بردند و چنین افرادی به حقیقت مطیعان راستین خدا و پاداش عظیمی نزد خداوند متعال دارند که نمونه بارز آن، مردان راستین و ثابت قدم مانند پیامبر(ص) و امامان معصوم(علیهم السلام) می باشند. برای اینکه در تهذیب تربیتی به توفیقاتی دست یابیم، به ثبات قدم و استقامت نیازمندیم. اگر در این مسیر، ثبات قدم و استقامت و صبر را از دست بدهیم، نه تنها آنچه را که تحصیل کرده ایم از دست می دهیم، بلکه باید منتظر عواقب کار خود نیز باشیم، با دقت در زندگی انبیا و اولیای الهی، سرمشقی برای خود ترسیم نماییم؛ اگر ثابت قدم شویم، دیگر چیزی ما را نمی لرزاند؛ سرد و گرم روزگار، ما را از پای در نمی آورد، نه آمدن نعمتی، ما را چنان مسرور می کند که از انجام وظیفه غافل شویم، و نه از دست دادن نعمتی ما را چنان محزون می کند که در انجام وظیفه کوتاهی کنیم.

قدم صدق در سه عرصه ایمان، گفتار و عمل به عرصه ظهور درمی‌آید و قرآن قدم صدق را عامل مهم پیروزی به شمار می‌آورد و پاداش ثابت قدمان را هم دنیوی و هم اخروی می‌داند.

پایه‌های تربیتی تقویت کننده قدم صدق عبارت‌اند از تبعیت از فرامین الهی؛ تقوای پیشگی؛ اطاعت از خدا و رسول؛ وفای به عهد و پیمان؛ عدم نقص میثاق الهی؛ پای بندی به مقررات دین؛ عدم تعدی از حدود الهی؛ قاطعیت در اجرای احکام و حدود شرع.

## کتابنامه

### قرآن مجید.

### نهج البلاغه.

- ابن عاشور تونسلی، محمد طاهر. ۱۴۲۰ق، **تفسیر التحریر والتنویر**، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد. ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۹۸۸م، **لسان العرب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بحرانی، هاشم. ۱۴۱۹ق، **تفسیر البرهان**، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. ۱۳۷۳ش، **شرح غرر الحکم ودرر الکلم**، تصحیح: میرجلال الدین ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. ۱۳۸۱ش، **غرر الحکم ودرر الکلم**، ترجمه: مصطفی درایتی، مشهد: انتشارات ضریح آفتاب.
- خمینی، روح الله. ۱۳۷۹ش، **شرح چهل حدیث**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۶۵ش، **لغتنامه دهخدا**، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد بن فاضل. ۱۴۰۴ق، **المفردات فی غریب القرآن**، مصر: بی نا.
- زبیدی، محمد مرتضی. ۱۴۱۴ق، **تاج العروس**، لبنان- بیروت: دار الفکر.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۷ش، **تفسیر المیزان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن. ۱۳۸۰ش، **تفسیر مجمع البیان**، تهران: انتشارات فراهانی.
- طریحی، فخرالدین. ۱۳۸۱ق، **مجمع البحرین**، بیروت: المکتبة المرتضوية.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعة. ۱۳۸۳ق، **تفسیر نور الثقلین**، قم: المطبعة العلمية.
- عمید، حسن. ۱۳۷۵ش، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: امیرکبیر.
- فخر رازی، محمد بن عمر. بی تا، **تفسیر مفاتیح الغیب**، بیروت: دار المعرفة.
- فیروز آبادی، طاهر بن یعقوب. بی تا، **تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس**، بیروت: دار الفکر.
- فیروز آبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب. ۱۴۱۹ق، **القاموس المحیط**، به اشراف: محمد نعیم العرقوسی، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- فیومی، احمد. ۱۴۱۴ق، **مصباح المنیر**، قم: انتشارات دار الهجرة.
- قزائنی، محسن. ۱۳۸۵ش، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
- قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۶ش، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری. ۱۴۱۵ق، **الجامع لأحكام القرآن**، بیروت: دار الفکر.

- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب. ۱۳۸۱ش، کافی، تهران: انتشارات اسوه.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی گیلانی، محمد. ۱۳۷۴ش، شرح زیارت امین الله، قم: نشر سایه.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۶۰ش، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معلوف، لوییس. ۱۳۶۲ش، المنجد، تهران: دیبا.
- معین، محمد. ۱۳۷۱ش، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی و دیگران، ناصر. ۱۳۷۰ش، تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الاسلامیة.
- نراقی، ملا احمد. ۱۳۷۴ش، معراج السعادة، تهران: هجرت.

### **Bibliography**

The Holy Quran .

Nahj Al-Balagheh .

Ibn Ashour Tunesi, Mohammad Tahir. 1420 AH, Tafsir al-Tahrir and al-Tawnir, Beirut: Arab History Foundation .

Ibn Faris, Ahmad 1404 AH, Dictionary of Language Comparisons, Qom: Islamic Media School .

Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. 1988, Arabic language, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi. Bahrani, Hashem 1419 AH, Tafsir al-Burhan, Beirut: Scientific Foundation .

Tamimi Amadi, Abdul Wahed 1994, Explanation of Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam, edited by Mir Jalaluddin Armavi

Tamimi Amadi, Abdul Wahed 2002, Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam, translated by Mustafa Derayati, Mashhad: Zarih Aftab Publications .

Khomeini, Ruhollah 2000, Explanation of forty hadiths, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. Dekhoda, Ali Akbar. 1986, Dekhoda Dictionary, Tehran: Dekhoda Dictionary Institute .

Ragheb Isfahani, Abu al-Qasim al-Hussein ibn Muhammad ibn Fazel. 1404 AH, Al-Mofradat Fi Gharib Al-Qur'an, Egypt: Bina .

Zabidi, Mohammad Morteza 1414 AH, Taj al-Arus, Lebanon- Beirut: Dar al-Fekr .

Tabatabai, Sayed Mohammad Hussein 1998, Tafsir Al-Mizan, Qom: Islamic Publications Office. Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Al-Hassan 2001, Tafsir Majma 'al-Bayan, Tehran: Farahani Publications. Tarihi, Fakhreddin. 2002, Majma Bahrain, Beirut: Mortazavi Library .

Arusi Hoveizi, Abdul Ali Ibn Juma 2004, Tafsir Noor al-Thaqalin, Qom: Scientific Press .

Amid, Hassan. 1996, Amid Persian Dictionary, Tehran: Amirkabir .



Fakhr Razi, Muhammad ibn Omar. No date, Tafsir Mafatih Al-Ghayb, Beirut: Dar Al-Ma'rifah .

Firuz Abadi, Tahir bin Yaqub. No date, enlightenment of the quotations from the commentary of Ibn Abbas, Beirut: Dar al-Fekr .

Firuz Abadi, Majdaldin Muhammad bin Yaqub. 1419 AH, Al-Qamoos Al-Mohit, by Ashraf: Muhammad Naeem Al-Arqousi, Beirut: Al-Resalah Foundation .

Fayumi, Ahmad 1414 AH, Mesbah Al-Munir, Qom: Dar Al-Hajra Publications .

Qaraati, Mohsen 2006, Tafsir Noor, Tehran: Cultural Center of Quranic Lessons .

Gharashi, Ali Akbar, 1997, Quran Dictionary, Tehran: Islamic Dar Al-Kotob .

Qortabi, Abi Abdullah Muhammad bin Ahmad Al-Ansari. 1415 AH, Al-Jame Leahkam Al-Qur'an, Beirut: Dar al-Fikr .

Kelini Razi, Abi Ja'far Muhammad ibn Ya'qub. 2002, Kafi, Tehran: Osweh Publications .

Majlesi, Mohammad Baqir 1403 AH, the sea of lights for the news of the pure Imams, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi

Mohammadi Gilani, Mohammad 1995, Description of the pilgrimage of Aminullah, Qom: Sayeh Publishing .

Mustafawi, Hassan 1981, Research in the words of the Holy Quran, Tehran: Book Translation and Publishing Company .

Ma'loof, Louis. 1983, Al-Munajad, Tehran: Diba .

Moein, Mohammad, 1992, Moein Dictionary, Tehran: Amirkabir .

Makarem Shirazi et al., Nasser. 1991, Tafsir Nomoneh, Qom: Islamic Dar Al-Kotob .

Naraq, Mullah Ahmad 1995, Ascension of Happiness, Tehran: Hejrat.

Quarterly Journal of Quranic Studies, Twelfth Year, No. 46, Summer 2021, pp. 9-34

### **An analysis of the step of truth in the Holy Quran**

Date of Receiving: March 22, 2019

Date of acceptance: June 10, 2019

**Mozafarpour Sheikh Ali Andohjerdi:** Master of Islamic Education, Tendency of Islamic History and Civilization, Qom University  
m.poorshaykhali@gmail.com

**Ali Mahamed:** Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom University  
mmahamed@gmail.com

Corresponding author: Mozaffarpour Sheikh Ali Andohjerdi

#### **Abstract**

Having steely will in doing things, which are called "step of truth" and "stability of step", directs the path of life on the orbit of dignity, pride and perseverance against individual troubles and social inequalities in all areas of jurisprudence, ideology and morality and brings peace of mind along with divine love, abundance of aliment, blessing, dignity and health for a person; To attain happiness in the divine path, in belief to faith, in strife to truth, in poverty to thank, in disease to health, in self-purification to refinement, and in the pursuit of knowledge to piety. The role of this moral virtue in influencing religious teachings is so serious that the evolution of religious components such as faith, piety and worship along with achieving success has been attributed to it and it has been interpreted as an essential element in the realization of faith.

**Keywords:** stability of step, Quran, training, semantics, patience.